

Journal of
Comparative Law Review
(JCL)

DOI: 10.22059/JCL.2022.296052.633949

Civil liability of principal against apparent authority of Agent and undisclosed principal - comparative study of Iran England law and International Documents

Mohammad Ali Alayefard¹ 

1. Assistant Professor, Faculty of Law, Islamic Azad university, south Tehran branch, Tehran, Iran. Email: ma.alayefard@yahoo.com

Article Info

Paper Research:
Research Article

Received:
2022/04/25
Accepted:
2022/09/14

Keywords:
*Apparent agent,
apparent authority,
civil liability
undisclosed
principal.*

Abstract

Expansion of international commercial and economic relations has led to the majority of commercial transactions being carried out by commercial agents. In the majority of transactions which are held out by commercial agents plenty of legal relations between principal, agent and third party are created. It may be ended to civil liability between principal, agent and the third party. The question of civil liability in contracts held by agents gets complicated when contracts that are held according to apparent authority of agents and in the case that agents have concluded the contracts apparently in his name, but actually on account of the principal. In this research the basis of principal's liability in such contracts have been compared in law of Iran, England and International documents. In sum, both the legal system of Iran and England have accepted civil liability of principal in such cases but with different approaches. Also under the convention on Agency in the International Sales of Goods 1983 this liability has been accepted.

How To Cite

Alayefard, Mohammad Ali (2022). Civil liability of principal against apparent authority of Agent and undisclosed principal - comparative study of Iran England law and International Documents. *Comparative Law Review*, 13 (2), 459-473.

Publisher

University of Tehran Press.



دوفصلنامه

مطالعات حقوق تطبیقی

سال ۱۳، شماره ۲، شماره پیاپی ۲۶

پاییز و زمستان ۱۴۰۱، ۴۷۳-۴۵۹

DOI: 10.22059/JCL.2022.296052.633949

مسئولیت مدنی آمر در قبال اقدامات نماینده تجاری با تأکید بر اختیارات ظاهری و اصیل پنهان؛ مقایسه تطبیقی حقوق ایران، انگلستان و اسناد بین‌المللی

محمدعلی اعلایی فرد^۱

۱. استادیار دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران. رایانامه: ma.alayefard@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی	گسترش روابط تجاری و اقتصادی بین‌المللی باعث شده است قسمت اعظم معاملات و مبادلات تجاری از سوی نمایندگان تجاری انجام گیرد. در معاملاتی که نمایندگان تجاری انجام می‌دهند، به‌طور معمول رشته‌ای از روابط حقوقی بین آمر، ثالث و نماینده به‌وجود می‌آید که ممکن است باعث ایجاد مسئولیت مدنی بین اصیل، ثالث و نماینده گردد. بحث مسئولیت مدنی در معاملاتی که از جانب نماینده صورت می‌گیرد زمانی پیچیده‌تر می‌شود که معاملات انجام‌شده با اتکا به اختیارات ظاهری صورت گرفته و یا نماینده در ظاهر به نام خود، ولی در عالم واقع به حساب آمر (اصیل پنهان) اقدام کرده باشد. در این مقاله تلاش شده است مبانی مسئولیت اصیل در این‌گونه معاملات، اعم از مسئولیت قراردادی و مسئولیت مدنی به مفهوم عام، در حقوق ایران، انگلستان و اسناد بین‌المللی مورد بررسی قرار گیرد. در مجموع در حقوق ایران، انگلستان و اسناد بین‌المللی، آمر به‌عنوان مسئول اعمال نماینده در نمایندگی ظاهری و نیز اصیل پنهان مورد پذیرش قرار گرفته است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۳	
کلیدواژه‌ها: اختیارات ظاهری، اصیل پنهان، مسئولیت مدنی، نمایندگی ظاهری.	
استناد	اعلایی فرد، محمدعلی (۱۴۰۱). مسئولیت مدنی آمر در قبال اقدامات نماینده تجاری با تأکید بر اختیارات ظاهری و اصیل پنهان؛ مقایسه تطبیقی حقوق ایران، انگلستان و اسناد بین‌المللی. <i>مطالعات حقوق تطبیقی</i> ، ۱۳ (۲)، ۴۵۹-۴۷۳.
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



مقدمه

اصطلاح نماینده و نمایندگی یک مفهوم عام است که قابلیت اطلاق به اشخاص و اعمال مختلف را دارد. در حقوق ایران، خصوصاً قانون مدنی، نمایندگی در قالب وکالت، وصایت قیمومت و قائم‌مقامی پذیرفته شده است. علاوه بر آن، در قانون تجارت ایران اعمال و اقدامات حق‌العمل‌کار، قائم‌مقام تجاری و گاه مدیران شرکت‌های تجاری در قالب نمایندگی و وکالت مطرح است.

در حقوق ایران به تاسی از فقه امامیه، اصل در جواز نمایندگی است و هر امری که شارع مباشرت اصیل را شرط نکرده باشد، قابلیت نمایندگی دارد.

اگرچه در حقوق ایران سه نوع نمایندگی قضایی، قانونی و قراردادی پیش‌بینی شده است، با این حال، نص خاصی در خصوص نمایندگی وجود ندارد و از عمومات قانون مدنی در خصوص وکالت برای نمایندگی استفاده می‌شود؛ با این تفاوت که وکالت یک عقد رضایی و فقط برای اعمال حقوقی است؛ حال آنکه در قراردادهای نمایندگی ممکن است به نماینده علاوه بر اجازه اعمال حقوقی، إذن انجام امور مادی هم داده شود. از این رو، قرارداد نمایندگی به‌نوعی وکالت است، ولی هر وکالتی لزوماً نمایندگی نیست (کاشانی، ۱۳۸۸: ۱۹۷).

قرارداد نمایندگی مانند قرارداد وکالت باید دارای شرایط اساسی صحت معاملات و قرارداد باشد، با این تفاوت که نماینده در زمان انعقاد قرارداد با اشخاص دیگر، ضمن آنکه دارای قصد انشای عقد است، به نیت شخص دیگری عمل می‌کند. وکالت می‌تواند به صورت کلی و عام تنظیم شود، ولی در قراردادهای نمایندگی تجاری نکاتی مانند جغرافیای نمایندگی، نوع نمایندگی از قبیل نمایندگی منفرد یا انحصاری و مستقل یا مستخدم، و نیز موضوع نمایندگی و حدود اختیارات نماینده باید معین شود. مسئولیت مشترک آمر و نماینده از جمله مواردی است که گاه قرارداد نمایندگی تجاری را از وکالت به مفهوم خاص آن منفک می‌نماید.

در قراردادهای نمایندگی تجاری، اصیل به نماینده اجازه می‌دهد که یکی از موضوعات تجارت را به نام و به حساب اصیل انجام دهد.^۱

در نظام حقوقی نوشته (civil law) به تاسی از حقوق رُم تا قرن هفدهم میلادی نظریه نمایندگی پذیرفته نشده بود. براساس یک قاعده کلی در حقوق رُم «هیچ‌کس نمی‌تواند به نام دیگری عمل کند» (امیری قائم‌مقامی، ۱۳۶۴: ۳). در عین حال، در حقوق رُم نهادهایی مانند نهاد خانواده وجود داشت که به‌نوعی مشابه نهاد نمایندگی بود. پدر نماینده خانواده بود و اقتدار کامل نسبت به کل نهاد خانواده داشت. بر این اساس، اگر یکی از اعضای خانواده تجارتی انجام می‌داد و منفعتی حاصل می‌شد، منفعت متعلق به نهاد خانواده بود. در نظام حقوقی رُم حتی وکالت موجب پیدایش نمایندگی

۱. برابر ماده ۲ قانون تجارت ۱۳۱۱ ایران: ده نوع فعالیت بعنوان فعالیت تجاری ذاتی احصاء شده که در لایحه اصلاح قانون تجارت ۱۳۹۲ به ۲۷ مورد افزایش یافته است.

برای وکیل نمی‌شد، بلکه آثار عقدی که وکیل منعقد می‌کرد بدو^۱ برای خود وکیل ایجاد می‌شد، سپس از طریق وکیل به موکل منتقل می‌گردید (Johston, 1995: 519؛ امیر معزی، ۱۳۸۸: ۴۱).

با شروع انقلاب صنعتی در اروپا (۱۷۶۰ تا ۱۸۲۰ م) تحولات چشمگیری در نظام حقوقی نمایندگی، خصوصاً نمایندگی بیمه و کشتی‌رانی، به‌وجود آمد. مسئولیت مدنی ناشی از قراردادهای نمایندگی تجاری ابتدا بر مبنای عرف تجار و رویه تجاری بود، سپس بنابر ضرورت قوانین مدون در خصوص نمایندگی وضع گردید.

فرانسه ابتدا در سال ۱۹۵۳ مقرراتی در زمینه نمایندگی بازرگانی وضع کرد، سپس در سال ۱۹۹۱ با الحاق ۱۷ ماده به ماده ۱۳۴ قانون تجارت فرانسه، نمایندگی بازرگانی را به شرح زیر توصیف نمود: «نمایندگی بازرگانی وکیل است که با داشتن شغل مستقل و بی‌آنکه از طریق یک قرارداد اجاره خدمت مقید باشد به‌گونه دائمی مأمور گفتگو و احتمالاً انعقاد قرارداد فروش، خرید، اجاره، تعهد انجام خدمات به نام و به حساب تولیدکنندگان، صنعت‌گران، بازرگانان و دیگر نمایندگان بازرگانی می‌باشد. نماینده بازرگانی می‌تواند یک شخص حقیقی یا حقوقی باشد» (کاشانی، ۱۳۸۸: ۲۰۳).

برابر قانون فرانسه، نماینده مانند وکیل عمل می‌کند و نمایندگی شغل مستقل و مستمری است. در انگلستان، علاوه بر قواعد کامن‌لا، در سال ۱۹۹۳ مقرراتی تحت عنوان نمایندگان تجاری^۱ وضع شد که هدف از این مقررات یکسان‌سازی مقررات انگلستان در خصوص نمایندگی تجاری با قواعد و مقررات اتحادیه اروپا بود. این مقررات اگرچه ناظر به نمایندگی داخلی بوده، ولی قواعد آن با سایر قراردادهای نمایندگی تجاری نیز قابل انطباق است.

به‌موجب قانون یادشده قرارداد نمایندگی در حقوق انگلستان از مصادیق عقود معوض است و نماینده در ازای دریافت اجرت خدمات نمایندگی را در قالب واسطه ارائه می‌دهد. به همین دلیل برابر بند ۲(a) مقررات این قانون، نسبت به اعمالی که نماینده به صورت مجانی انجام می‌دهد قابل اعمال نیست؛ درحالی که برابر ماده ۶۷۷ قانون مدنی ایران «اگر در وکالت مجانی یا با اجرت بودن آن تصریح نشده باشد، محمول بر این است که با اجرت باشد».

در حقوق انگلستان نمایندگی تجاری یک واسطه خوداشتغال است؛ از این رو، خدمه، کارکنان، کارمندان و کسانی که رابطه استخدامی با اصیل دارند و حقوق‌بگیر محسوب می‌شوند از شمول قواعد نمایندگی تجاری مستثنی هستند.

در نظام حقوقی انگلستان از شروط لازم برای انعقاد قرارداد نمایندگی، قابلیت اعطای نمایندگی موضوع، توانایی اصیل و معلوم بودن موضوع نمایندگی است (G.H.L. Fridman, 1996: 151). قرارداد نمایندگی زمانی وصف بین‌المللی پیدا می‌کند که دارای یک یا چند عنصر بین‌المللی باشد. در ماده ۲ کنوانسیون نمایندگی بیع بین‌المللی کالا مصوب ۱۹۸۳^۲ آمده است:

1. Commercial Agents, 1993- No.3053 (Council Directive Regulations U.K)
2. Convention on Agency in International Sale of Goods Geneva, 17 Feb-1983

«این کنوانسیون در حالی اعمال می‌شود که اقامتگاه اصیل و ثالث در دو کشور مختلف بوده، اقامتگاه نماینده در یکی از کشورهای عضو باشد و یا حقوق بین‌الملل خصوصی به اعمال قانون کشور عضو کنوانسیون منجر گردد».

کنوانسیون وصف عینی را ضابطه تشخیص بین‌المللی بودن قرارداد نمایندگی قرار داده است و تابعیت اشخاص تأثیری در این موضوع ندارد. این کنوانسیون اگرچه صرفاً ناظر به نمایندگی در بیع بین‌المللی کالا است، ولی دارای شرایطی است که قابلیت تسری به کلیه قراردادهای نمایندگی را دارد. برابر بند ۲ مقدمه قرارداد نمونه نمایندگی تجاری اتاق بازرگانی بین‌المللی (ICC) مصوب ۱۹۹۱ نیز قواعد پیش‌بینی شده در قرارداد نمونه تجاری، نسبت به آن دسته از قراردادهای اعمال می‌شود که اقامتگاه اصیل و نماینده در دو کشور مختلف باشد. از این رو، اتاق بازرگانی ضابطه تشخیص و تفکیک نمایندگی تجاری داخلی از بین‌المللی را محل اقامت نماینده و اصیل قرار داده است.

۱. اختیارات نماینده

اختیارات نماینده تجاری بر حسب نوع قرارداد، موضوع معامله و حتی زمان و مکان انعقاد قرارداد متفاوت است. آنچه مسلم است حدود اختیارات نماینده را قرارداد نمایندگی معین می‌کند که اختیارات صریح خوانده می‌شود. در کنار اختیارات صریح، نماینده دارای اختیارات ضمنی است که بر اساس عرف، عادت و رویه معمول تجارت و اراده ضمنی طرفین کشف می‌شود. برای مثال، نماینده در خرید یا فروش کالا، نماینده در تنظیم اسناد نیز شمرده می‌شود؛ اگرچه در قرارداد نمایندگی تصریح نشده باشد. برابر ماده ۶۷۱ قانون مدنی ایران «وکالت در امری مستلزم وکالت در لوازم و مقدمات آن نیز هست مگر آنکه تصریح به عدم وکالت شده باشد».

در بند ۲ ماده ۱ کنوانسیون نمایندگی در بیع بین‌المللی کالا مصوب ۱۹۸۳ آمده است: «مفاد این کنوانسیون نه تنها بر وقوع عقد بیع حاکم است، بلکه بر هر عملی که به منظور وقوع عقد و یا در خصوص اجرای آن به عهده گیرد جاری می‌شود». یکی از معیارهای تشخیص اختیارات ضمنی، اختیاراتی است که نماینده در شرایط و معامله مشابه با معامله انجام شده می‌تواند داشته باشد.

۱.۱. اختیارات قانونی

علاوه بر اختیارات صریح و ضمنی و عرفی، قانون نیز ممکن است اختیاراتی به نماینده اعطا نماید. مصداق بارز اختیارات قانونی، اختیارات پیش‌بینی شده در قانون تجارت برای نمایندگان و مدیران شرکت‌های تجاری است.^۱

۱. ماده ۱۳۵ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت ۱۳۴۷: «کلیه اعمال و اقدامات مدیران و مدیرعامل شرکت در

همچنین مواد ۳۶۲ تا ۳۶۶ قانون تجارت در خصوص حق العمل کار از مصادیق اختیارات قانونی حق العمل کار است که نوعی نمایندگی عام محسوب می‌شود؛ با این تفاوت که حق العمل کار در ظاهر به نام خود، ولی در عالم واقع به نام آمر عمل می‌کند. در قرارداد نمایندگی به جز موارد خاص، نماینده به نام آمر عمل می‌نماید.

۲.۱. اختیارات ظاهری یا نمایندگی ظاهری

علاوه بر اختیارات صریح، ضمنی، عرفی و قانونی، ممکن است بر اساس رفتار، گفتار و اعمال اصیل این یقین در ثالث به وجود آید که نماینده دارای اختیار انجام معامله است. اختیارات ظاهری به فعل یا ترک فعل اصیل بر می‌گردد که به موجب آن ثالث را در شرایط معمول و متعارف به انجام معامله با نماینده ترغیب و تشویق می‌نماید. در واقع در حقوق نمایندگی، اختیارات ظاهری یا نمایندگی ظاهری به اعمال و اقدامات مستقیم یا غیرمستقیم اصیل اطلاق می‌شود که در ثالث این یقین و اعتماد را به وجود می‌آورد که نماینده دارای اختیارات لازم بوده، اصیل موافق اقدامات وی است. علاوه بر آن، گاهی اعمال و اقدامات نماینده ممکن است در شخص ثالث با حسن نیت این یقین را به وجود آورد که نماینده دارای اختیارات لازم در انعقاد قرارداد است. برای مثال، مدیرعامل شرکتی قراردادی را منفرداً امضا می‌نماید و این درحالی است که برابر مصوبات و مقررات داخلی شرکت، کلیه اسناد و اوراق تعهدآور شرکت باید با امضای مدیرعامل و یکی از اعضای هیئت مدیره باشد.

در چنین حالتی فرض بر این بوده که مدیرعامل شرکت دارای اختیارات لازم برای اداره شرکت و انعقاد قرارداد است. از این رو، برابر ماده ۱۹۸ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷، محدود کردن اختیارات مدیران در اساسنامه یا به موجب تصمیمات مجامع عمومی در مقابل اشخاص ثالث باطل است.

در حقوق انگلستان، این امر با عنوان قاعده مدیریت داخلی (Rule of Indoor Managemen) شهرت دارد. برابر رأی صادره در پرونده «Royal British Bank V Turquands (1856) 6 E&B327» دادگاه اعلام داشت: شخصی که با شرکتی قرارداد منعقد می‌کند حق دارد فرض کند کلیه مقررات داخلی شرکت و اساسنامه آن رعایت شده است. این نظریه بعدها در پرونده‌های دیگر نیز اعلام و به صورت رویه قضایی درآمده است.

مقابل اشخاص ثالث نافذ و معتبر است و نمی‌توان به عذر عدم اجراء تشریفات مربوط به طرز انتخاب آنها اعمال و اقدامات آنان را غیرمعتبر دانست.

قانون‌گذار در ماده ۱۹۱ قانون مدنی ایران آورده است:

«عقد محقق می‌شود به قصد انشاء به شرط مقرون بودن به چیزی که دلالت بر قصد کند».

قانون مدنی ایران به تأسی از نظریه مشهور فقهای امامیه، حاکمیت اراده اشخاص را ملاک تشکیل عقد قرار داده و قصد انشا را مقدمه صحت عقد دانسته است. از این رو، در شرایط معمول، اصیل زمانی مسئول اعمال نماینده است که نماینده در حدود اختیارات واقعی و ضمنی عمل کرده باشد. برای آنکه عقد به وسیله نماینده منعقد شود، لازم است وی دارای إذن قانونی، قراردادی، عرفی و یا ضمنی بوده، قصد انشا داشته باشد و در عین حال، انشای عقد را به نیت اصیل انجام دهد (شهیدی، ۱۳۸۵: ۱۳۷).

برابر ماده ۶۷۴ قانون مدنی ایران:

«موکل باید تمام تعهداتی را که وکیل در حدود وکالت خود کرده است انجام دهد. در مورد آنچه که در خارج از حدود وکالت انجام داده شده است، موکل هیچگونه تعهد نخواهد داشت، مگر اینکه اعمال فضولی وکیل را صراحتاً یا ضمناً اجازه کند».

همچنین برابر ماده ۶۸۰ قانون مدنی ایران:

«تمام اموری که وکیل قبل از رسیدن خبر عزل به او در حدود وکالت خود بنماید نسبت به موکل نافذ است».

مفاد این دو ماده اماره‌ای است بر پذیرش اختیارات ظاهری در حقوق ایران. از این رو، چنانچه بتوان از قرائن و امارات رضایت اصیل در انجام اعمال نماینده را احراز نمود، اقدامات نماینده ظاهری در حکم نماینده واقعی است، زیرا اقدامات اصیل که موجب اعتماد ثالث شده است، نوعی اماره اثبات حق محسوب می‌شود.

علاوه بر اماره قانونی که در واقع نوعی دلیل اثبات حق محسوب می‌شود، اگر اقدامات اصیل به‌طور معقول و متعارف در ثالث ایجاد یقین نماید و موجب ضرر وی گردد، بر اساس «قاعده غرور» نیز می‌توان اصیل را مسئول دانست. مدلول قاعده غرور عمل به ظاهر است (لطفی، ۱۳۹۶: ۳۱۱)؛ «المغرور یرجع الی من غره». بنابراین، قاعده غرور می‌تواند یکی از مبانی مسئولیت اصیل در صورت اثبات اختیارات ظاهری نماینده باشد.

علاوه بر آن، موقعیت و عنوان نماینده نیز ممکن است این تصور را ایجاد نماید که دارای اختیارات لازم است. برای مثال، مدیران، مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره شرکت‌ها عموماً دارای اختیارات لازم برای اداره و انعقاد قرارداد هستند. محدود کردن اختیارات آنان برابر اساسنامه و یا به موجب تصمیمات مجامع عمومی در مقابل اشخاص ثالث، باطل و کان‌لم‌یکن است (مواد ۱۱۸ و ۱۳۵ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷).

۱.۳. اختیارات ظاهری در کنوانسیون ۱۹۸۳ ژنو

کنوانسیون ۱۹۸۳ ژنو در تکمیل اهداف کنوانسیون سازمان ملل متحد راجع به قراردادهای بیع بین‌المللی کالا مصوب ۱۹۸۰ وین تدوین گردیده است. این کنوانسیون در صدد ایجاد مقررات متحدالشکل نمایندگی در بیع بین‌المللی است. مقررات این کنوانسیون نسبت به آن دسته از قراردادهای بیع بین‌المللی اعمال می‌شود که نماینده به نام خود یا به نام اصیل، قرارداد منعقد کرده باشد.

برابر بند نخست ماده ۱۴ کنوانسیون ۱۹۸۳: «هرگاه نماینده بدون اختیار یا خارج از حدود اختیار عمل کند اعمال یادشده نمی‌تواند اصیل و ثالث را نسبت به یکدیگر ملزم نماید». این درحالی است که مطابق بند ۲ همان ماده «اگر رفتار اصیل سبب شود که ثالث به‌طور معقول و با حسن نیت باور کند که نماینده در اعمال حقوقی از طرف اصیل اختیاراتی دارد و نماینده با رعایت حدود إذن معامله کند، اصیل نمی‌تواند علیه ثالث به فقدان اختیار نماینده استناد نماید». از این رو، بند ۲ ماده ۱۴ کنوانسیون از مصادیق بارز مسئولیت اصیل در قبال اختیارات ظاهری نماینده است.

۲. مسئولیت اصیل در قبال نمایندگی ظاهری

در حقوق ایران و همچنین کنوانسیون ۱۹۸۳، معاملات خارج از حدود إذن و اختیار اصیل غیرنافذ است، مگر آنکه اصیل آن را تنفیذ نماید یا بر اساس اختیارات ظاهری مسئولیت اصیل احراز شود؛ با این تفاوت که در حقوق ایران این حق صرفاً برای اصیل است که معامله خارج از حدود اختیارات نماینده و همچنین معاملات فضولی وی را تنفیذ یا رد نماید. ولی برابر بند ۲ ماده ۱۵ کنوانسیون ۱۹۸۳، ثالث نیز این حق را دارد که قبل از تنفیذ معامله از سوی اصیل، معامله را رد نماید. «هرگاه در زمان انجام عمل به‌وسیله نماینده، ثالث از فقدان اختیار نماینده آگاه نباشد یا نمی‌توانست آگاه باشد، اگر هر زمان پیش از اجازه عمل فضولی، اطلاعیه‌ای دایر بر امتناع از قبول التزام نسبت به اجازه اصیل ارسال دارد در برابر اصیل مسئولیتی نخواهد داشت». اجازه اصیل می‌تواند صریح یا ضمنی باشد. همچنین ثالث حق دارد اگر اصیل صرفاً بخشی از معامله را تنفیذ نمود از قبول معامله خودداری نماید.

همچنین برابر ماده ۶۱۰۳(۲) قانون مدنی هلند:

«اصیل نمی‌تواند به عدم اختیار (نماینده) استناد کند اگر شخص ثالث اعتقاد داشته باشد یا بر اساس اوضاع و احوال به نحو معقول استحقاق این اعتقاد را داشته که بر اساس اعلام صادره از سوی اصیل یا رفتار وی، استنباط نماید که اختیار کافی به نماینده اعطا شده است» (هین کوتر، ۱۳۹۵: ۳۱۷).

مفاد این ماده بر پذیرش اختیارات ظاهری نماینده و مسئولیت اصیل در قبال ثالث در حقوق

هلند نیز دلالت دارد.

برابر ۲-۲-۵ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی مؤسسه بین‌المللی یکنواخت‌سازی حقوق خصوصی (مؤسسه رم):

«در موردی که اصیل سبب آن شود که طرف ثالث به‌طور معقول و متعارف به این یقین برسد که نماینده دارای اختیاراتی برای اقدام از جانب اصیل است و در محدوده آن اختیارات اقدام می‌کند، اصیل نمی‌تواند در مقابل طرف ثالث به فقدان اختیارات نماینده استناد نماید.»

از این رو، علاوه بر قوانین موضوعه و قواعد کنوانسیون بین‌المللی نمایندگی تجاری، مسئولیت اصیل در قبال اختیارات ظاهری نماینده به‌عنوان یک اصل از اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی پذیرفته شده است.

۲.۱. اثبات مسئولیت اصیل بر مبنای قاعده استاپل

در حقوق کامن‌لا (اعم از کامن‌لا در انگلستان یا امریکا) علاوه بر رویه قضایی بر مبنای «قاعده استاپل» نیز می‌توان اصیل را مسئول اعمال نماینده در قبال اختیارات ظاهری دانست. قاعده استاپل که کاربرد اصلی آن در حقوق بین‌الملل است شخص را از انکار آنچه قبلاً در اثر اعمال، گفتار و رفتار خود که به یک واقعیت حقوقی مبدل شده است ممنوع می‌سازد. به عبارتی بر مبنای این قاعده هیچ شخصی نمی‌تواند واقعیت حقوقی اثبات‌شده را انکار نماید، اعم از آنکه خود به آن اقرار کرده و یا این امر دارای اعتبار قضایی و قانونی باشد (افتخار جهرمی و شهیازی‌نیا، ۱۳۸۳: ۱۲۱).

بنابراین اگر اصیل عمداً و سهواً اجازه انجام فعلی را به نماینده داده و یا با ترک فعل خود اقدامی برای زایل نمودن اعتماد و اطمینان شخص ثالث به عمل نیاورده باشد، بر اساس قاعده استاپل در مقابل ثالث مسئول خسارت ناشی از اعمال نماینده است. این قاعده برای حمایت از شخص ثالث است و زمانی اعمال می‌شود که شرایط اعمال تئوری نمایندگی ظاهری و اختیارات ظاهری وجود نداشته باشد. قاعده استاپل به ایجاد قرارداد الزام‌آور بین ثالث و اصیل منجر نمی‌شود، بلکه مجوزی برای جبران خسارت ثالث به‌وجود می‌آورد (Restatement Agency).

در کلیه موارد ذکر شده رفتار اصیل باید به‌گونه‌ای باشد که در ثالث این یقین را به‌وجود آورد که نماینده دارای اختیارات لازم است؛ از این رو، اثبات این امر برعهده ثالث است. در مجموع در حقوق نمایندگی، اصیلی که عمداً یا سهواً یا از روی بی‌توجهی اعمالی انجام داده و یا ترک فعلی کرده که ثالث به اختیارات نماینده اعتماد نموده باشد در مقابل ثالث مسئول است (Johston, 1995: 525).

از آنجا که نمایندگی یک مفهوم حقوقی است و بر اقدام حقوقی اعمال می‌گردد، بنابراین، نظریه اختیارات ظاهری و نمایندگی ظاهری اثر حکمی دارد و به همین اعتبار با اتکا به این نظریه نمی‌توان معاملات محجور و فردی را که فاقد قصد انشا است، تنفیذ نمود.

۲.۲. شروط تحقق اختیارات ظاهری نماینده

علاوه بر فعل یا ترک فعل اصیل که باعث ایجاد اعتماد و یقین در اختیارات نماینده می‌شود، شروط دیگری نیز برای تحقق اختیارات ظاهری لازم است که عبارت‌اند از:

الف) ثالث با حسن نیت بوده، به‌طور معمول و متعارف به اقدامات مجاز و مشروع اصیل و نماینده اعتماد کرده باشد. بنابراین، اقدامات غیرمجاز و نامشروع نماینده را نمی‌توان با اتکا به این نظریه تنفیذ نمود.

ب) اعتماد و اتکای شخص ثالث به اقدامات نماینده و واکنش‌های اصیل باید منطقی و متعارف باشد؛ از این رو، اعمال و افعال غیرمنطقی و غیرمتعارف نمی‌تواند مجوز نمایندگی ظاهری باشد.

ج) این اعمال و اقدامات باید به‌گونه‌ای باشد که در فرد متعارف و معقول اعتماد و اطمینان حاصل نماید. از این رو، اگر فردی از روی سادگی و جهل، اعتمادی خارج از عرف به اعمال نماینده و اقدامات اصیل نماید، مسئولیتی برای اصیل ایجاد نمی‌کند (امینی و عبدی، ۱۳۸۲: ۶۵).

د) رفتار و گفتار اصیل یا ترک فعل وی باید نوعاً قابل اعتماد بوده، مؤثر در آثار و نتایج اقدامات نماینده باشد (پورارشاد و دیگران، ۱۳۸۹: ۴۰).

۳. مسئولیت اصیل پنهان (Undisclosed principal) در قبال شخص ثالث

به‌طور معمول نماینده در قرارداد منعقد با ثالث به نام و به حساب اصیل اقدام می‌نماید. گاهی عمداً، سهواً یا از روی مصلحت نام اصیل ذکر نمی‌شود و نماینده به‌عنوان اصیل ظاهری (Apparent principal) اقدام می‌نماید. به‌عبارتی نماینده در ظاهر به نام خود، ولی در عالم واقع به حساب و به نفع اصیل اقدام می‌کند.

بر مبنای اصل نسبی بودن قراردادها، تئوری ظاهر اسناد و نظریه عمل به ظاهر (اصاله الظهور)، مسئولیت و مزایای چنین قراردادی با نماینده بوده، در عین حال استثنایی بر این اصل وارد است. برای مثال، در حقوق تجارت اقدام حق‌العمل کار از مصادیق بارز اصیل ظاهری است، زیرا حق‌العمل کار در ظاهر به نام خود، ولی درواقع به حساب اصیل پنهان (آمر) اقدام می‌نماید (ماده ۳۵۰ قانون تجارت).

در حقوق ایران نص صریحی در خصوص اصیل پنهان وجود ندارد؛ از این جهت و برابر نظریه عمومی قراردادها، فرض بر اصیل بودن طرفین قرارداد است. از این رو، نمایندگی هر یک از طرفین قرارداد از شخص دیگر که در قرارداد نام او ذکر نشده، خلاف اصل است (کاشانی، ۱۳۸۸: ۱۵۶). از طرفی، مجهول ماندن نام اصیل هنگام انجام معامله و انعقاد قرارداد خللی به اعتبار قرارداد

وارد نمی‌آورد و به‌خودی خود موجب بی‌اعتباری آن نمی‌شود؛ مگر آنکه معامله به قصد فرار از قوانین آمره و تدلیس و تقلب صورت گرفته باشد (مهدی شهیدی، ۱۳۸۵: ۱۳۸).

با این حال، برابر ماده ۱۹۶ قانون مدنی ایران:

«کسی که معامله‌ای می‌کند آن معامله برای خود آن شخص محسوب است. مگر آنکه در موقع عقد خلاف آن را تصریح نماید یا بعداً خلاف آن ثابت شود...».

قسمت اخیر ماده ۱۹۶ قانون مدنی را می‌توان مجوزی برای مواردی که معامله در ظاهر به نام نماینده، ولی در واقع به حساب اصیل صورت گرفته است قلمداد کرد.

البته مفاد این بخش از ماده ۱۹۶ را نمی‌توان به عقود مانند نکاح تسری داد که در آن، شخصیت طرف، علت عمده عقد است. همچنین برابر ماده ۶ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۱ ایران: «هر کس بیمه می‌دهد، بیمه متعلق به خود اوست، مگر آنکه در بیمه‌نامه تصریح شده باشد که مربوط به دیگری است...».

به‌عبارتی قانون بیمه ایران اصل را بر تعلق بیمه به بیمه‌گزاری می‌داند که نام وی در بیمه‌نامه ذکر شده است؛ هرچند بیمه‌نامه‌های حمل و نقل ممکن است بدون ذکر نام (به نام حامل) تنظیم شود. از این رو، در این نوع قراردادها ادعای انقراض بیمه به نمایندگی از اصیل پنهان قابلیت استماع ندارد. همچنین در صدور اسناد تجاری، خصوصاً چک - سفته و برات که از سوی نماینده صادر شده است، اگر نام اصیل ذکر نشود، کلیه مسئولیت‌ها متوجه نماینده است و نظریه اصیل پنهان موضوعیت ندارد (حبیبی، ۱۳۹۶: ۵۴).

به‌نظر می‌رسد قسمت اخیر ماده ۱۹۶ به تأسی از فقه اسلامی است. در فقه اسلامی اگرچه نظریه عمل به‌ظاهر پذیرفته شده است، ولی ظاهر تاب مقاومت در مقابل واقعیت را ندارد. ظاهر زمانی قابل استناد است که خلاف آن اثبات نشود (لطفی، ۱۳۹۶: ۳۱۸). به‌عبارتی از منظر فقه اسلامی قصد و نیت واقعی اشخاص ملاک است، نه اعمال ظاهری.

بنابراین، چنانچه ثابت شود که نماینده در ظاهر به نام خود و در واقع به حساب اصیل عمل کرده است، باید حقوق و مسئولیت قرارداد منعقد به حساب اصیلی گذاشته شود که نام وی در قرارداد ذکر نشده است و اصطلاحاً اصیل پنهان نامیده می‌شود. البته از ماده ۱۹۶ قانون مدنی دو تفسیر وجود دارد؛ تفسیر اول بر مبنای ظاهر ماده است. هرگاه معلوم شود که معامله به نام وکیل و به حساب موکل بوده و معامله به قصد نمایندگی صورت گرفته است، اثر قرارداد برای موکل است و وکیل مسئولیتی ندارد. تفسیر دیگر آن است که چنانچه ثالث جاهل بر وکالت (نمایندگی) باشد، پس از اثبات وکالت، عقد فقط بین وکیل و موکل مؤثر است و وکیل باید اموال و منافع به‌دست‌آمده را به موکل بدهد. موکل نیز ذمه وکیل را بری نماید (سید حسین صفائی، ۱۳۸۸: ۲۳۹).

۱.۳. مسئولیت اصیل پنهان در کنوانسیون ژنو ۱۹۸۳

برابر بند ۲ ماده ۲ کنوانسیون ژنو ۱۹۸۳:

«هرگاه هنگام وقوع معامله ثالث نداند و یا نمی‌بایست بداند که نماینده با سیمت نیابت معامله می‌کند، در این صورت اگر محل فعالیت نماینده و ثالث در کشورهای مختلف باشد و الزامات بند (۱) برآورده شود، در این صورت مقررات کنوانسیون جاری می‌گردد.»
از مفاد این ماده می‌توان به جواز مسئولیت اصیل پنهان در کنوانسیون ژنو ۱۹۸۳ پی برد.

۲.۳. مسئولیت اصیل پنهان بر مبنای نظریه منفعت و هزینه

در حقوق کامن‌لا، خصوصاً کامن‌لای امریکا، یکی از مبانی مسئولیت اصیل در قبال اعمال نماینده، نظریه هزینه و منفعت (Cost-benefit theory) است. بر اساس این نظریه، اصیلی که از منفعت اقدامات نماینده منتفع می‌گردد باید مسئول تعهدات نماینده نیز باشد. بر مبنای این نظریه، چنانچه ثابت شود منافع قرارداد متعلق به اصیل است، مسئولیت آن نیز متوجه اصیل خواهد بود؛ هرچند به جهاتی ذکری از نام وی در قرارداد تنظیمی بین نماینده و ثالث نشده باشد. دادگاه‌های امریکا عموماً قواعد مربوط به اصیل پنهان را خلاف قواعد عمومی قراردادها و حتی خلاف قواعد مربوط به حقوق نمایندگی تلقی نموده، معمولاً حکم بر عدم مسئولیت اصیل صادر می‌کردند. استدلال عمده دادگاه‌های امریکا، خصوصاً در مواردی که نماینده ورشکسته یا معسر می‌شد، این بود که ثالث به اعتبار نماینده قرارداد را منعقد نموده است. بنابراین، رجوع به اصیل فاقد مبنای قراردادی است، مگر آنکه ثابت شود قرارداد با سرمایه و پول اصیل منعقد شده و اصیل از آثار آن منتفع شده است (Rasmusen, 2001: 32).

نظریه منفعت و هزینه هم در خصوص نمایندگی ظاهری و هم در خصوص اصیل پنهان قابل اعمال است؛ مشروط به اینکه اثبات گردد اقدامات نماینده متضمن منفعت برای اصیل بوده است (Masur and Posner, 2018: 936).

۳.۳. مسئولیت اصیل بر مبنای نظریه انتخاب و کنترل

به دلیل منفعتی که اصیل از اعمال نماینده می‌برد باید پاسخگوی خسارات ناشی از اقدام وی نیز باشد. علاوه بر نظریه هزینه و منفعت، اصیل نماینده را انتخاب نموده، حق کنترل اعمال وی را نیز دارد. نظریه انتخاب و کنترل که در دومین اصلاحیه و بازنگری حقوق نمایندگی در امریکا (۱۹۵۸)^۱ مورد توجه قرار گرفته، ابتدا از سوی محاکم انصاف کامن‌لا در انگلستان اعمال شده است. بر اساس این نظریه، از آنجا که کنترل اعمال حقوقی نماینده در اختیار آمر است، از این رو، ثالث اجازه رجوع به اصیل واقعی را دارد (نصیری، ۱۳۶۴: ۲۲۲).

1. Restatement (second) of Agency (1958)

مخالفان نظریه انتخاب و کنترل معتقدند اختیارات نماینده و مسئولیت اصیل از قصد و رضای طرفین نشئت گرفته که امری ذاتی و باطنی است. بنابراین، الزامی برای کنترل ظاهری اعمال وکیل به وسیله اصیل وجود ندارد. فرض بر این است که اصیل و نماینده هر دو آگاه بر قانون، عرف و اصول حاکم بر قراردادها هستند (Westbrook, 2012: 1364).

تبلور نظریه‌های هزینه و منفعت و کنترل و انتخاب را می‌توان در دعوی چند شرکت امریکایی بر علیه شرکت ملی نفت ایران در دیوان داوری ایران و ایالات متحده امریکا- لاهه ملاحظه کرد.

در این پرونده برابر ماده ۱۷ قرارداد کنسرسیوم ۱۹۷۳ بین ایران و ۱۴ شرکت نفتی توافق می‌گردد که اعضای کنسرسیوم یک شرکت خدماتی غیرانتفاعی را در قالب شرکت سهامی خاص برابر قانون ایران تشکیل دهند و به ثبت برسانند.

شرکت یادشده تحت عنوان شرکت سهامی خاص خدمات نفتی ایران (اسکو) در ایران ثبت و عملیات اکتشاف، توسعه، تولید نفت خام و گاز طبیعی به شرکت اسکو واگذار می‌شود. شرکت نامبرده قراردادهای مختلفی با شرکت‌های خارجی از جمله امریکایی منعقد می‌نماید. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، کمیسیون خاص شورای انقلاب اسلامی ایران قراردادهای نفتی از این قبیل را مغایر با قانون ملی شدن نفت ایران شناخته، کأن لم یکن می‌سازد.

بعد از تشکیل دیوان داوری ایران و ایالات متحده امریکا، تعدادی از شرکت‌های امریکایی بر علیه شرکت ملی نفت ایران دعاوی ای مطرح نموده، مدعی شدند:

- شرکت اسکو یک عامل ظاهری بوده و طرف اصلی قراردادها شرکت ملی نفت ایران است؛ در واقع اصیل واقعی شرکت ملی نفت ایران است.
- اقدامات شرکت اسکو تحت کنترل شرکت ملی نفت ایران بوده و تحت دستورات آن شرکت کار می‌کرده است.
- شرکت ملی نفت ایران از خدمات اسکو منتفع می‌شده است (نصیری، ۱۳۶۴: ۲۱۵).

اگرچه ادعای خواهان‌های امریکایی مغایر اصل استقلال شخصیت شرکت‌های سهامی و اصل نسبی بودن قراردادها است، ولی خواهان‌های امریکایی با اتکا به نظریه کنترل و منفعت، مدعی اعمال قاعده تسری مسئولیت شرکت اسکو به شرکت ملی نفت ایران بوده‌اند.

مصادق دیگر ادعا بر اساس نظریه اصیل پنهان، دعوی «شرکت امریکایی کشتی‌رانی سی‌لند علیه سازمان بنادر و کشتی‌رانی ایران» در دیوان داوری ایران و ایالات متحده امریکا در سال ۱۳۶۰ است. در این دعوی، شرکت امریکایی سی‌لند در سال ۱۹۷۶ تصمیم می‌گیرد زمینی را در بندرعباس برای احداث اسکله خصوصی از سازمان بنادر و کشتیرانی اجاره نماید. سازمان بنادر و کشتی‌رانی حاضر به انعقاد قرارداد با شرکت خارجی نمی‌شود؛ از این رو، یک شرکت ایرانی به نام آل‌بی زمین یادشده را

اجاره کرده، با انعقاد قرارداد بهره‌برداری ترجیحی در اختیار شرکت سی‌لند قرار می‌دهد. شرکت سی‌لند تا زمان وقوع انقلاب در ایران از آن بهره‌برداری کرده است. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی از فعالیت شرکت یادشده جلوگیری به عمل آمد و به تصرفات این شرکت پایان داده شد.

شرکت سی‌لند^۱ دعوایی علیه سازمان بنادر و کشتی‌رانی در دیوان داوری ایران و امریکا در لاهه مطرح کرد و مدعی خسارت شد. شرکت یادشده مدعی گردید که شرکت ایرانی آ.آل. بی صرفاً یک وکیل ظاهری بوده و اصیل واقعی شرکت سی‌لند است و نیز سازمان بنادر و کشتی‌رانی مطلع بوده که تأسیسات اسکله از سوی شرکت سی‌لند ایجاد و بهره‌بردار واقعی نیز همین شرکت بوده است؛ از این رو، شرکت نامبرده به‌عنوان اصیل واقعی (پنهان) حق مطالبه خسارت دارد.

دیوان در رأی خود مبانی استدلال و استناد شرکت سی‌لند را نپذیرفت (کاشانی، ۱۳۸۸: ۲۰۰-۲۰۱) و با این استدلال که قصد سازمان بنادر این بوده است که با یک شرکت خارجی قرارداد منعقد نکند و نیز صرف استفاده سی‌لند از اسکله یادشده، این شرکت را طرف قرارداد با سازمان بنادر و کشتیرانی ایران قرار نمی‌دهد، حکم به رد دعوی صادر کرد. با این همه، دیوان به جهات دیگری شرکت سی‌لند را مستحق دریافت مبلغی خسارت تشخیص داد.

در مجموع، امروزه در نظام‌های مختلف حقوقی، مسئولیت اصیل پنهان در قبال اعمال نماینده پذیرفته شده است. نظریه مسئولیت اصیل پنهان نه تنها به زمان انعقاد قرارداد برمی‌گردد، بلکه به زمان اجرای قرارداد نیز تسری دارد (Mechem, 1910: 514, 515).

با اعمال قاعده مسئولیت اصیل پنهان، کلیه حقوق، تعهدات و مسئولیت ناشی از قرارداد که به یک اصیل آشکار تعلق می‌گرفت به اصیل پنهان نیز اختصاص می‌یابد. اصیل پنهان نه تنها مسئول تعهدات ایجادشده از سوی نماینده است، بلکه با اثبات ذی‌نفع بودن خود می‌تواند از حقوق و مزایای قرارداد منعقد از سوی نماینده، از جمله مطالبه ثمن از ثالث، بهره‌مند شود (Furmston, 2001: 162).

مسئله اصیل پنهان زمانی با مشکل مواجه می‌شود که ثالث در قرارداد تنظیمی با نماینده، حق انتقال و واگذاری قرارداد به غیر را سلب نموده باشد. در این گونه موارد، ظاهر سند به واقعیت درونی آن غلبه داشته، امکانی برای ورود اصیل پنهان وجود ندارد.

این منع در بند ۶ ماده ۱۳ کنوانسیون ۱۹۸۳ ژنو به‌خوبی ترسیم شده است:

«اصیل نمی‌تواند حقی را که نماینده برای وی در قرارداد تحصیل کرده در مقابل ثالث اعمال نماید.

اگر از اوضاع و احوال مشخص گردد چنانچه ثالث از هویت اصیل آگاه بود قرارداد را منعقد نمی‌کرد».

با توجه به اصل نسبی بودن قراردادهای و آثار آن، اصیل پنهان زمانی مسئول است که اثبات گردد

1. SEA-LAND SERVICE, INC., Claimant v. THE ISLAMIC REPUBLIC OF IRAN, PORTS AND SHIPPING ORGANIZATION OF IRAN

معامله در عالم واقع به نفع وی منعقد شده است، به همین دلیل بار اثبات این امر که اصیل واقعی چه کسی بوده به عهده ثالث است. همچنین در مواردی که اصیل پنهان مدعی حقی برای خود در مقابل ثالث است، اثبات اینکه اصیل بوده و طرف قرارداد صرفاً به نمایندگی از وی اقدام نموده با اصیل است.

نتیجه

در حال حاضر، مسئولیت اصیل در قبال اختیارات ظاهری نماینده و همچنین مسئولیت اصیل پنهان در مقابل ثالث یکی از اصول پذیرفته شده در حقوق نمایندگی تجاری است. قواعد مربوط به مسئولیت اصیل پنهان و نمایندگی ظاهری، خلاف اصل نسبی بودن قراردادهای و همچنین تئوری ظاهر اسناد است؛ از این رو، بار اثبات مسئولیت اصیل بر عهده ثالث است. همچنین در مواردی که اصیل ادعا می کند معامله برای وی صورت گرفته است باید آن را اثبات نماید. در حقوق ایران با توسل به امارات قانونی و قضایی و همچنین توسل به قاعده غرور می توان اصیل را مسئول اقدامات نماینده دانست. در حقوق انگلستان و آمریکا بر اساس نظریه های منفعت و هزینه، کنترل و انتخاب و قاعده استاپل در معاملات ناشی از اختیارات ظاهری و در موارد اصیل پنهان، می توان اصیل را مسئول اقدامات نماینده تشخیص داد.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. احمدی سجادی، سید علی (۱۳۷۷). ماهیت حقوقی نمایندگی تجاری و مصادیق آن در حقوق ایران. *مجله مجتمعه آموزش عالی قم*، سال اول، ش ۱.
۲. اسمیت اف، کلایو. ام (۱۳۷۸). *حقوق تجارت بین المللی*، ترجمه بهروز اخلاقی و همکاران، ج ۱، تهران: انتشارات سمت.
۳. اعلائی فرد، محمدعلی (۱۳۹۶). *حقوق تجارت بین المللی*، تهران: نشر جاویدان.
۴. افتخار جهرمی، گودرز و شهبازی نیا، مرتضی (۱۳۸۳). بررسی قاعده استاپل در حقوق انگلستان و آمریکا. *مجله حقوقی*، دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران، ش ۳۸.
۵. امیر معزی، احمد (۱۳۸۸). *نیابت در روابط تجاری و مدنی*، تهران: نشر دادگستر.
۶. امیری قائم مقامی، عبدالحمید (۱۳۶۴). *حقوق تعهدات*، ج ۲، انتشارات دانشگاه تهران.
۷. امینی، منصور و عبدی، مونا (۱۳۹۳). بررسی تطبیقی نظریه نمایندگی ظاهری. *مجله حقوقی دادگستری*، ش ۸۸.
۸. پورارشاد، نادر و دیگران (۱۳۸۹). نظریه ظاهر، مطالعه حقوق خارجی و ایران. *مجله پژوهش های حقوق تطبیقی*، ش ۴.
۹. حبیبی، محمود (۱۳۹۶). *نمایندگی در اسناد تجاری*، ج ۳، تهران: نشر میزان.

۱۰. شهیدی، مهدی (۱۳۸۵). *تشکیل قراردادهای و تعهدات*، چ ۵، تهران: انتشارات مجد.
۱۱. صفائی، سید حسین (۱۳۸۸). *معامله و کیل به نام خود در حقوق ایران با بررسی تطبیقی*، از کتاب بر منهج عدل، حسن جعفری تبار، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. کاشانی، محمود (۱۳۸۸). *حقوق مدنی، قراردادهای ویژه*، تهران: نشر میزان.
۱۳. لطفی، احسان (۱۳۹۶). *گفتاری در نقد و بررسی نظریه حقوقی عمل به ظاهر*. *فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی*، دوره ۴۷، ش ۲.
۱۴. مافی، همایون (۱۳۹۵). *مجموعه مقالات منتخب در حقوق تجارت بین الملل*، مجمع علمی و فرهنگی مجد.
۱۵. نصیری، مرتضی (۱۳۶۴). *نظریه اصیل واقعی*. *مجله حقوقی*، دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران، ش ۲.
۱۶. مجموعه آراء دیوان داورای دعاوی ایران و ایالات متحده، ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۳، معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات ریاست جمهوری.
۱۷. هین کوتر (۱۳۹۵). *حقوق قراردادهای اروپائی*، ترجمه اصغر محمودی و دیگران، مجمع علمی و فرهنگی مجد.

ب) انگلیسی

1. A. West Brook, David (2012). a Shallow Harbor and Cold Tlorigon. *The Promise of Modern*.
2. C.H.L. Fridman (1996). *The Law of Agency*, 7th ed. London- Butterworth Agency Law, Seattle University Law Review, Vol. 35 .
3. Furmston , Michael (2001). *Principles of Commercial Law*, Second Edition, Cavendish Publishing.
4. Johston, David (1995). Limiting Liability Under Civil Law and Roman Law Tradition. *Chicago kent law Review*, Vol. 70.
5. R. Mechem, Floyd. (1910). The Liability of Undisclosed Principal. *Harvard Law Review*, Vol. 23.
6. Rasmusen, Eric (2001). Agency Law and Contract Formation. *Discussion paper*, No.323, Harward law school.
7. Restatement of Agency (2006).
8. S. Masur, Jonathan and A. Posner, Eric (June 2018). Cost-Benefit Analysis and the Judicial Role. *The University of Chicago Law Review*, Vol. 85, No. 4.